

نماز، موتور محرک در مسیر خداست

هر کسی ممکن است تصویری درباره نماز داشته باشد. اما نماز طبق تعریف قرآن کریم، خود موتور محرک ما در مسیر خوبی هاست. انسان برای اینکه به خوبی ها و عاقبت نیک و بزرگی ها برسد، به دو چیز نیاز دارد، اول، شناخت راه درست و رفتار صحیح و نیکو و دوم، انگیزه و اراده حرکت در این مسیر خیلی از ما اولی را داریم، اما دومی را نداریم. خداوند در آیه ۴۵ سوره مبارک عنکبوت می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» و نماز را برپا دار، بدون شک نماز از کارهای زشت و کارهای ناپسند بازمی دارد.»

این یعنی نماز، اراده لازم را برای ترک رفتارهای ناپسند و انجام کارهای خوب به ما می دهد. رهبر معظم انقلاب در تفسیر این آیه شریف می فرماید: «در الصلوة تنهی، تنهی یعنی نهی می کند، نه اینکه دست و پای انسان را می بندد، غرایز را از کار می اندازد. بعضی خیال می کنند «الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر»، معنایش این است که اگر نماز خواندی، دیگر فحشا و منکر از بین خواهد رفت، نه، معنایش این است که وقتی نماز می خوانی، آن واعظ درونی تو که با نماز جان گرفته، او مرتب به تو از بدی فحشا و منکر می گوید و گفتن و تکرار کردن و بر دل فروخواندن، طبعاً اثر دارد و دل را خاضع و خاشع می کند. لذاست می بینید نماز تکرار باید شود. روزه، سالی یک بار؛ حج، عمری یک بار؛ نماز، هر روز چند بار باید تکرار شود. اهمیت نماز اینجا است.»

نماز در واقع نشست و برخاست با خداوند است و این معاشرت، باعث می شود که انسان از زشتی هایی که در او و زندگی او هست، خجالت بکشد و برای ترک آن تصمیم بگیرد و به منظور انجام خوبی هایی که می داند، اراده پیدا کند. ان شاء... خداوند همه ما را از اقامه کنندگان نماز قرار بدهد!

حکمت

شیرین ترین مفهوم

اساساً شیرین ترین مفهوم زندگی، مفهومی است که هر وقت انسان به آن فکر می کند، مشکلاتش را فراموش کند، ظرفیت انسان را زیاد کند، او را در مشکلات مقاوم کند، و به انسان امیدواری دهد.

و تنها مفهوم در این عالم با چنین ویژگی هایی، فقط یاد مرگ است. نگاه اهل بیت^ع به مرگ با ما تفاوت دارد. ما برای تسلی و آرام شدن کسی که عزیزی از دست داده است، گاه از جملات عجیبی مثل اینکه «غم آخرتون باشه»، استفاده می کنیم.

حضرت امیرالمؤمنین^ع در حکمت ۲۵۷ که به مجلس ختم یکی از نزدیکان یاران شان رفته بودند، این طور به او تسلیت گفتند: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَيْسَ لَكُمْ بَدَأٌ وَلَا آخِرٌ أَنْتُمْ، وَ قَدْ كَانَ ضَاجِعُكُمْ هَذَا يُسَافِرُ فَقَدْوهُ فِي بَعْضِ أَسْفَافِهِ، فَإِنَّ قَدِمَ عَلَيْكُمْ، وَإِلَّا قَفَيْتُمْ عَلَيْهِ؛ این امر (مرگ) نه آغازش از شما بوده است و نه با شما پایان خواهد یافت. این دوست شما در گذشته هم گاهی مسافرت می رفت. اکنون نیز تصور کنید به سفری رفته است. اگر او از سفر بازگردد، چه بهتر و اگر بازنگردد، شما به سوی او خواهید رفت (و یکدیگر را ملاقات خواهید کرد).»

برای آرامش یافتن خود، در چنین وضعیتی اینکه بدانم این مشکل برای همه است و عزیز من هم از بین نرفته، بلکه زنده است، فقط در جایی است که خود من نیز چند وقت دیگر به آنجا می روم، کجا و اینکه در این دنیای پراز ابتلا، به کسی بگوییم «غم آخرتون باشه»، کجا؟

بردار و بخوان

۲۷جمله برای بازگشت به جان نماز

نماز، به عنوان مهم ترین عمل عبادی مسلمانان، همواره محور تربیت فردی و سامان اجتماعی در اندیشه اسلامی بوده است. محسن ذوالفقاری، نویسنده کتاب «بیست و هفت جمله»، با گردآوری و تبویب (تقسیم آن به ابواب) بیانات شهید آیت... دکتر سید محمد حسین بهشتی، کوشیده است دریچه ای تازه به فهم نماز بگشاید؛ فهمی که از صورت به معنا و از عادت به آگاهی می رسد. نام کتاب، برگرفته از نگاه خاص شهید بهشتی است که جملات واجب نماز را «۲۷ جمله» می داند؛ جملاتی کوتاه اما سرنوشت ساز که بسیاری از نمازگزاران، با وجود تکرار روزانه، از معنای دقیق آن ها بی خبرند. شهید بهشتی، متفکر نواندیش اسلامی، نماز را صرفاً مجموعه ای از حرکات و الفاظ نمی بیند، بلکه آن را زبانی زنده برای گفت وگویی انسان با خدا و مدرسه ای برای ساختن انسان موحّد می داند. در فصل نخست کتاب، جایگاه و اهمیت نماز در منظومه فکری اسلام، تبیین می شود؛ جایگاهی که نماز را به ستون دین و شاخص هویت ایمانی تبدیل می کند. سپس، معانی واژگان و افعال نماز، با دقت شرح داده می شود؛ رویکردی که از دغدغه همیشگی شهید بهشتی برای گسترش فهم درست از مفاهیم قرآن حکایت دارد.

در ادامه، آثار فردی و اجتماعی نماز بررسی می شود؛ از تأثیر آن در تعالی معنوی انسان تا نقش آن در شکل گیری جامعه ای مسئول، عدالت خواه و مقاوم. نویسنده با تکیه بر بیانات استاد، تفاوت های یک ملت نمازگزار با جوامعی را که از این پیوند معنوی محروم اند، به روشنی ترسیم می کند. بخش پایانی کتاب نیز به شبهات درباره نماز اختصاص دارد و با نگاهی عقلانی و عمیق، به پرسش های رایج درباره این عبادت الهی پاسخ می دهد.

«بیست و هفت جمله»، کتابی است برای آنان که می خواهند نماز را نه از سر عادت، بلکه با فهم و حضور قلب بخوانند؛ متنی کوتاه، دقیق و اندیشه برانگیز که می تواند نماز را دوباره به متن زندگی باگرداند.



شماره



مهر

بررسی پاسخ های مستدل قرآن و روایات درباره فواید و آثار نماز

چرا باید نماز بخوانیم؟

گزارش

آمنه مستقیم | معمولاً آدمی به طور فطری برای پذیرش امور و انجام آن ها، به دنبال دلیل و چرایی است تا به مدد دانستن نفع و اثر هر عمل، به آن عمل اهتمام کند. این موضوع درباره احکام دین نیز صادق است؛ مثل نماز که در نخستین گام از تبلیغ و ترویج آن، به ویژه برای آن هایی که شاید غافل و کاهل اند، با تعبیری از این دست مواجه می شویم که: «چرا باید نماز بخوانیم؟»، یا «نماز ما به چه درد خدا می خورد؟»، یا «ما راه خودمان را برای ارتباط با خدا داریم!».

در حالی که قرآن و روایات به زیبایی و مستدلانه، پاسخ آن ها را می دهند.



چرا باید نماز بخوانیم؟

بی تردید یکی از زیباترین و پذیرفتنی ترین پاسخ ها به این سؤال که چرا باید نماز بخوانیم، در حدیثی است که از امام رضا^ع نقل شده است. حضرت می فرماید: «علت تشریع نماز، توجه و اقرار به ربوبیت پروردگار است و مبارزه با شرک و بت پرستی و قیام در پیشگاه پروردگار و در نهایت خضوع و تواضع و اعتراف به گناهان و تقاضای بخشش از معاصی گذشته و نهادن پیشانی بر زمین. همه روز برای تعظیم پروردگار و نیز با هدف این است که انسان همواره هوشیار و متذکر باشد، گرد و غبار فراموش کاری بر دل او ننشیند، مست و مغرور نشود، خاضع و خاضع باشد، طالب و علاقه مند به افزونی در مواهب دین و دنیا شود. علاوه بر این مداومت ذکر خداوند در شب و روز که در پرتو نماز حاصل می شود، سبب می شود انسان، مولا و مدبر و خالق خود را فراموش نکند، روح سرکشی و طغیانگری بر او غلبه نکند و همین توجه به خداوند و قیام در برابر او، انسان را از معاصی بازمی دارد و از انواع فساد جلوگیری می کند.»

(وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴).

نماز، نظم را به انسان هدیه می دهد

معمولاً ما از بی نظمی کارها و نبود انضباط امور گلایه داریم و از آن رنج می بریم و علاقه مندیم راهی باشد که به واسطه آن، نظم بر زندگی مان حاکم شود. همین نیاز باعث شده است در سال های اخیر، روان شناسان انگیزشی کتاب های مختلفی درباره مدیریت زمان بنویسند که پر فروش هم شده اند و نماز چه زیبا و آسان و بی منت این نظم را به ما هدیه می دهد! اوقات شرعی مشخص، نوبت های پنجگانه معین، آداب و ارکان ثابت، صفوف منظم و... باعث شده است فرضیه ای سرشار از نظم و زیبایی در اختیار انسان باشد؛ عملی که ادای آن، اوقات معینی دارد، به حدی که تقدم از آن اوقات، موجب بطلان و تأخر در آن، موجب قضای نماز می شود. آداب و ارکان و احکام خاص نماز نیز موجب پذیرش قوانین و آیین های انضباطی در اجتماع می شود که همه این ها، نظم را برای سبک زندگی به ارمغان می آورد.

نماز، رحمت خدا را جلب می کند

نماز، شکوهمندترین عبادت و مهم ترین توصیه و سفارش انبیا و اوصیای الهی است؛ البته خداوند به نماز ما نیازی ندارد؛ چون خدا بی نیاز مطلق است و ذره ای نقص و کاستی در ذات احدیت او راه ندارد، بلکه این مخلوقات و موجودات هستند که به او نیازمندند. خدای تعالی که با رأفت و مهربانی لایتناهی، نعمت های بی شمار و زیبایی های فراوان هستی را در اختیار بندگان قرار داده، فریضی را هم براساس حکمت و مصلحت اندیشی بر آن ها تکلیف کرده است تا بتوانند از نعمت های الهی در مسیر سعادت، بهره ببرند؛ مثل نماز که دنیایی از معنا و اثر را در خود جای داده است. در حدیثی از امام باقر^ع آمده است: «هنگامی که نمازگزار به سمت قبله برای نماز می ایستد، خداوند رحمان و رحیم به او توجه ویژه می کند...».

(میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۷۶).

با نماز آرام می شویم

خداوند در قرآن کریم برای نماز آثار و برکاتی را ذکر کرده است که خود برترین مشوق ها برای انس با نماز است؛ مثل «راه رسیدن به آرامش»، بسیاری از ما در میانه روزمرگی ها و دغدغه های پرشمار زندگی، در جست و جوی آرامش هستیم و حاضریم برای رسیدن به آن، هزینه هم بکنیم، در حالی که پروردگار خود اسباب این آرامش را در اختیار ما قرار داده است و می فرماید: «لَا يَذْكُرُ... تَذْفُقُ الْقُلُوبُ»؛ همانا نماز [انسان را در دنیا] خدا، دل ها آرام می گیرد. (رعد، آیه) و مهم آنکه راه این ذکر را هم نشانمان داده است و می فرماید: «اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ نماز را برپا دار تا به یاد من باشی. (طه، آیه ۱۴). این یعنی نماز، برای یاد خداست و این یاد خدا، هم آرامش آفرین و هم غفلت زداست.

نماز، سد گناه است

اغلب ما از خطاها و گناهانمان پشیمانیم و دلمان می خواهد یا به عقب بازگردیم و مرتکب آن خطاها و گناهان نشویم یا راه درمانی باشد که ما دیگر به آن ها مبتلا نشویم. اینجا هم باز نماز، راه درمان و چاره است؛ چرا که قرآن کریم، نماز را مانع گناه و زشتی ها معرفی می کند و می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ، هَمَانَا نماز [انسان را در دنیا] از زشتی ها و گناه بازمی دارد.» (عنکبوت، آیه ۴۵) نماز همچنین به طهارت و پاکیزگی روح که خود از عوامل آرامش و سعادت است، کمک می کند. قرآن کریم در این باره می فرماید: «تنها کسانی را که از پروردگارشان در نهان می ترسند و نماز برپا می دارند، هشدار می دهی و هر که پاکیزگی جوید، تنها برای خود پاکیزگی می جوید.»

(فاطر، آیه ۱۸).

میانبر کسب فضایل

اغلب انسان ها علاقه مند به کسب فضایل و ارزش های اخلاقی و آراستگی به آن ها هستند و برای آن، دست به کارهای مختلفی می زنند. نماز این نیاز انسان را هم پاسخ می دهد؛ چرا که انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار عالم طبیعت بیرون می برد، به ملکوت آسمان ها دعوت می کند و او را بی هیچ واسطه ای در برابر پروردگار هستی قرار می دهد و مسیر گفت وگو با او را برایش می گشاید؛ اینکه خدا پنج نوبت در شبانه روز به ما فرصت داده است که با برترین قدرت عالم گفت وگو کنیم و از او بخواهیم و خواسته هایمان را بیان کنیم، جلوه ای بی نظیر از رحمانیت و رحیمیت است. لذا حضرت امیرالمؤمنین^ع درباره فلسفه نماز می فرماید: «نماز وسیله تقرب هر فرد پرهیزکار به خداست.»

(نهج البلاغه، کلمات قصار، جمله ۱۳۶)

نماز، عبادتی جدا از زندگی نیست؛ جامع زندگی است. احکام آن، ما را به پاکي آب و لباس و مکان فرامی خواند و این یعنی طلب روزي حلال و پرهیز از حق الناس. تکبیر نماز نیز در عمل باید تصدیق شود، یعنی در هیچ انتخابی، چیزی بر خدا ترجیح داده نشود. از همین رو نماز بدون اخلاق و عدالت اجتماعی، ناقص می ماند. نباید از نماز دریغت و آن را سبک شمرد. روح نماز در شوق و رغبت است، نه در حداقل گرایي. هر جا امکان افزونی ذکر و توجه هست، باید آن را مغتنم شمرد. نماز، قرار بی قراری دل است؛ لحظه ای که انسان، ساعت زندگی اش را با تپش قلبش، تنظیم می کند و می فهمد که «...! اکبر» اگر از دل برخیزد، همه زندگی را راست می کند. در نهایت، توبه ریه ریه یک گفت وگوست؛ ایستادن روی روی خدا و سنجیدن جهت دل، اگر دل رو به خداست، تکبیر صادق است؛ و اگر نه، نماز دعوتی است برای بازگشت. همین دعوت است که امید می آفریند، در رحمت همیشه باز است و روسپاها نیز راه دارند، اگر صادقانه بگویند: «...! اکبر».

ا...! اکبر؛ صداقت دل در آستان نماز



فصل روشنی
جوت الاسلام والاسلمین
حسنی از پرهیز

زندگی من چه چیز بزرگ تر است؟ خدا یا پول؟ خدا یا موقعیت؟ خدا یا دل بستگی های روزمره؟ تکبیر، آیینی است که حقیقت ترجیح های ما را نشان می دهد. اگر «...! اکبر» در عمل تصدیق نشود، ذکر به ادعا فرو می کاهد.

واژه «احرام» در تکبیره الاحرام، معنایی عمیق دارد، حرام کردن، یعنی برای محرم شدن به محبوب، چیزهایی را که اونمی پسندد، بر خود حرام می کنیم. در نماز، این تمرین را آغاز می کنیم. حتی تمرین توجه نکردن به غیر خدا را. همان گونه که روگرداندن از قبله ظاهر، نماز را باطل می کند، روی گردانی دل

از خدا، نیز باطن نماز را می فرساید. بالا بردن دست ها هنگام تکبیر، نمادی است از پشت سر انداختن دنیا گویی با این حرکت می گوئیم: اکنون، هیچ چیز جز او در میدان توجه من نیست.

«...! اکبر» تنها آغاز نماز نیست؛ محور زندگی